

اختلاف قرائت سبع در تفسیر سوره مریم*

فاطمه السادات ارفع و سید محمد میرحسینی*****

چکیده

یکی از علوم قرآن کریم که در فهم، ترجمه و تفسیر کلام الهی تأثیر مستقیم دارد، علم قرائت قرآن است. به همین سبب، این علم از دیرباز مورد توجه مفسران قرآن بوده و تلاش آنها بر این بوده که با توجه به قرائت‌های مختلف و تأثیر گذاردن آنها در فهم قرآن، بتوان بهترین برداشت را مطابق قرائت مقبول عرضه نمود. در این نوشتار موارد اختلاف قرائت از هفت قرائت مشهور در سوره مریم بررسی و تحلیل گردیده است. اختلاف قرائت در ۱۹ آیه، هیچ تغییری در معنا ایجاد نکرده و در ۱۵ آیه در معنای آیات، مؤثر بوده است. البته این تغییر معنایی غالباً در نهایت مفهوم یکسانی را از آیه می‌رساند و گاهی در حد تغییرات بسیار جزئی مانند مبالغه، تاکید و ... بوده و در اصل معنای آیه تأثیرگذار نبوده‌اند. بررسی سیاق آیات، قواعد صرفی و نحوی، سازگاری با معنای آیات، انسجام در الفاظ آیات و موسیقایی آن؛ می‌تواند محقق را به قرائت صحیح که همان قرائت مشهور است؛ رهنمون سازد.

واژگان کلیدی: قرائت، قرائت سبع، سوره مریم.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۹/۱۳.

** عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی کوثر (نویسنده مسئول): Fa-arfa@yahoo.com.

*** دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین: mirhosseini.mh@gmail.com.

مقدمه

قرائت در لغت به معنای خواندن و در اصطلاح به معنای نحوه خواندن الفاظ قرآن کریم است (دمیاطی، اتحاف البشر فی قرائات الاربعه عشر، ۱۴۱۹: ۳/۱) از منظر تبارشناسی دانش‌ها، علم قرائت در منظومه علوم قرآنی جای گرفته و از دانش‌های بنیادین عالم اسلام است. پیامبر ﷺ اولین قاری قرآن است و پس از ایشان، بزرگانی در طبقه صحابه با دقت تمام در أخذ، ضبط، کتابت، قرائت و تعلیم قرآن به دیگران کوشیدند. در اواخر سده اول و با سپری شدن روزگار صحابه و تابعین، دانش قرائت رونق گرفته و در همه نقاط جغرافیای اسلامی، قاریان بسیاری پدید آمدند. در اوایل قرن سوم هجری، گروهی درصدد برآمدند تا قرائاتی را که به اعتقاد خویش صحیح می‌دانستند، ضبط و معرفی نمایند. ابو عبیده قاسم بن سلام انصاری، شاگرد کسایی از این گروه است. پس از او احمد بن جبیر کوفی، سپس قاضی اسماعیل بن اسحاق مالکی، محمد بن جریر طبری، محمد بن احمد داجونی و ابن مجاهد تمیمی مولف «القرانات السبع» پیگیر این هدف بودند (ابن جزری، النشر فی قرائات العشر، ۱۴۱۸: ۳۴/۱). این قاریان هفتگانه عبارتند از: ابن عامر دمشقی (۱۱۸ق)، ابن کثیر مکی (۱۲۰ق)، عاصم کوفی (۱۲۷ق)، ابو عمرو بصری (۱۵۴ق)، حمزه کوفی (۱۵۶ق)، نافع مدنی (۱۶۹ق) و کسایی کوفی (۱۸۹ یا ۱۹۱ق) (همان).

انگیزه‌ای که ابن مجاهد را وادار به گزینش هفت قاری از میان همه قاریان کرد، این بود که می‌خواست امر قرائت قرآن را نظم و سامان بدهد. هر چند بسیاری از دانشمندان بعد از وی، ابن مجاهد را در اختیار قراء سبعة نکوهش کردند؛ ولی با توجه به موقعیت سیاسی و اجتماعی و شهرت وی، شیوه‌اش استمرار یافت. این گرایش تا آنجا رواج یافت که برخی از غیر محققان پنداشتند که حدیث سبعة أحرف ناظر بر همین قرائات است (معرفت، التمهید فی عند القرآن، ۱۳۹۰: ۲۸۸).

علمای شیعه با الهام از آموزه‌های قرآنی اهل بیت علیهم‌السلام معتقدند که قرآن تنها به یک صورت نازل شده (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۶۳/۲) و تعدد قرائات از سوی قاریان قرآن ایجاد شده است (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۵: ۱۵۱-۱۵۲).

این نوشتار درصدد است، اختلاف قرائات سبع را به روش تحلیلی در سوره مریم بررسی نموده و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: ۱. تأثیر یا عدم تأثیر اختلاف قرائات سبع در معنای کدام آیات سوره مریم مشهود است؟ ۲. میزان تفاوت معنایی به جهت اختلاف قرائات در معنای آیات چگونه است؟ ۳. کدام مولفه‌ها در دستیابی به قرائت صحیح از میان قرائات هفتگانه موثرند؟

۱- قرائات سبع در سوره مریم

سوره مریم با ۹۸ آیه، نوزدهمین سوره قرآن و از سوره‌های مکی است. این سوره به دلیل حکایت داستان حضرت مریم علیها السلام به نام ایشان نام‌گذاری شده است (طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۱۴۱۲: ۶/۷۷۳). محتوای سوره مشتمل بر سرگذشت پیامبران، مسائل مربوط به قیامت و سرنوشت مجرمان و پاداش پرهیزکاران، نفی فرزند از خداوند و مسأله شفاعت است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳/۷۷). پیام اصلی سوره، بشارت و انذار است که در قالب داستان‌های پیامبران بیان شده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۶/۱۴) از مجموع آیات سوره مریم، ۳۶ مورد اختلاف قرائت در آیات وجود دارد.

الف) قرائات مؤثر در معنای آیات سوره مریم

۱. «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرْتُئِي وَيُورِثُ مِنْ ءَالِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» (مریم/ ۵-۶)؛ «من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند!) و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد؛ و او را مورد رضایت قرار ده!».

قرائت: عاصم، نافع، ابن کثیر، ابن عامر و حمزه: یرتئیی و یرث؛ ابو عمرو و کسائی: یرثئیی و یرث (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ سالم مکرم، معجم القرآنیه مع مقدمه فی القرائات و أشهر القراء، ۱۴۰۸: ۴/۳۱).

این دو فعل در حالت رفعی، صفت برای ولیاً (مریم/ ۵) و در حالت جزمی، جواب دعای هَبْ لِي (مریم/ ۶) هستند (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/۵؛ ابوحیان، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۷/۲۴۱).

طبرسی دلیل رفع دو فعل را چنین بیان می‌کند: «در قرائت مشهور، زکریا از پروردگارش درخواست می‌کند که به او فرزندی عطا فرماید که این ویژگی را دارا باشد، میراث بر او و خاندان یعقوب باشد.» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۶/۷۷۴). وی می‌افزاید: «این معنا در حالت جزمی وجود ندارد، زیرا در حالت جزم، فعل معلق بر شرط محذوف است، یعنی اگر فرزندی عطا کنی، از من و خاندان یعقوب ارث می‌برد» (همان).

به نظر می‌رسد معنای حاصل از قرائت مشهور با سیاق آیات که مبتنی بر درخواست زکریا از خداوند است، سازگاری بیشتری دارد.

۲. ﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾؛ «ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش «یحیی» است؛ و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده ایم!». قرائت: عاصم، نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر و کسای: نُبَشِّرُكَ؛ حمزه: نُبَشِّرُكَ (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ سالم مکر، معجم القرآنیه، ۱۴۰۸: ۳۲/۴). در کلمه لِنُبَشِّرُ در آیه ۹۶ سوره مریم، همین اختلاف قرائت وجود دارد (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ سالم مکر، معجم القرآنیه، ۱۴۰۸: ۶۲/۴؛ لسانی فشارکی، قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۳۵۷).

راغب اصفهانی تفاوت بشر و بشر را این گونه بیان می کند: «بَشَّرْتُ الرَّجُلَ وَبَشَّرْتُهُ يَعْنِي أَوْ رَأَى مَوْضِعِي مَسْرَتٍ بَخَشَ خَبَرَ دَادِمٌ وَسِيمَايَشِ بَازُ وَشَادِمَانُ شَدَّ، زِيْرًا نَفْسَ آدَمِي زَمَانِي كَمَا مَسْرُورٌ وَشَادٌ مَيَّ شُودُ، خُونٌ فِي بَدَنِهِ هَمَانِدٌ جَرِيَانُ آبٍ فِي دَرْخَتٍ مَنَشْرٌ مَيَّ شُودُ. مِيَانِ لِيْنِ دَوَاوِزِهِ فَرْقٌ هَائِي هَسْتٌ مَثَلًا مَعْنَايَ بَشْرَتِهِ عَامٌ وَكَلْمِي اسْتِ، وَلِي بَشْرَتِهِ بَرَزِيَادِي وَافْرُونِي دَلَالَتٌ دَارِدُ» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۱: ۱۲۴).

تفاوت معنایی حاصله بین دو کلمه، در مبالغه ای است که در قرائت مشهور می باشد و با سیاق کلام سازگارتر است که خبر مهم مسرت بخشی به حضرت زکریا داده می شود. هم چنین در آیه ۹۶ بشارت به متقین، همین ویژگی را داراست.

۳. ﴿قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا﴾ (مریم/۹)؛ «فرمود اینگونه پروردگارت گفته (و اراده کرده) این بر من آسان است من قبلا تو را آفریدم و چیزی نبودی».

قرائت: عاصم، نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر: خَلَقْتُكَ؛ حمزه و کسای: خَلَقْنَاكَ (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ سالم مکر، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۳۲/۴).

برخی از مفسران در ذیل آیه اشاره کرده اند که در قرائت خَلَقْنَاكَ، فعل همراه با نون عظمت آمده (ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۷/۲۴۴) و به خداوند واحدی اسناد داده شده که خود را عظیم داشته است (سمین، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ۱۴۱۴: ۴/۴۹۴). طبرسی دلیل قرائت مشهور را عبارت (قال رَبُّكَ) در همین آیه بیان نموده و (حنانا من لدنا) در آیه ۱۳ را دلیل قرائت خَلَقْنَاكَ می داند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۶/۷۷۸). ایشان رعایت سیاق کلام با ماقبل یا مابعد را دلیل قرائت بیان می نماید.

به نظر می‌رسد قرائت مشهور که مطابق با سیاق کلام در ابتدای آیه است؛ بر قرائت غیر مشهور ترجیح دارد.

۴. ﴿قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا﴾ (مريم/ ۱۹)؛ «گفت من فرستاده پروردگار توام (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم».

قرائت: عاصم، ابن کثیر، ابن عامر، حمزه و کسایی: لأهَبْ؛ نافع و ابو عمرو: ليهب (الدانی، التيسير في القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ سالم مکرم، مجمع القرائات القرآنيه، ۱۴۱۷: ۳۴۸/۴). برخی مفسران در ذیل آیه چنین گفته‌اند: (لأهَب لک) یعنی برای اینکه سبب بخشش فرزند به تو باشم یا آنکه حکایت کلام خداوند تبارک و تعالی باشد (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/۱۰؛ ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۷/۲۴۹). طبرسی نیز می‌گوید: «در فعل أهَب فعل به متکلم اسناد یافته در حالی که بخشش از جانب خداوند است، زیرا گاهی وکیل و فرستاده، اینگونه فعل را به خود نسبت می‌دهد و قرینه وجود دارد که وی فقط واسطه است و در ليهب ضمیر به خداوند - اعطاکننده و بخشنده اصلی - برمی‌گردد» (طبرسی، مجمع البيان، ۱۳۷۲: ۶/۷۸۳).

تغییر معنایی حاصله در دو قرائت با تغییر صیغه متکلم وحده و غایب ایجاد شده است؛ هر چند که در نتیجه یک معنا را می‌رساند؛ لکن سیاق کلام با أهَب سازگار بیشتری دارد؛ از آنجا که آیه با انا آغاز شده و کلمه رسول، قرینه برای أهَب است؛ لذا قرائت مشهور با سیاق کلام سازگارتر است.

۵. ﴿فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا﴾ (مريم/ ۲۴)؛ «ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که غمگین مباش، پروردگارت زیر پای تو چشمه آب (گواری) قرار داده است».

قرائت: عاصم، نافع، حمزه و کسایی: مِن تَحْتِهَا؛ ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر: مَن تَحْتِهَا (الدانی، التيسير في القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنيه، ۱۴۰۷: ۴/۳۹).

بنا بر قرائت مشهور؛ فاعل، ضمیر مستتر در نادى بوده و من تحتها متعلق به فعل نادى است. بنا بر قرائت غیر مشهور؛ فاعل، من موصوله و تحتها متعلق به استقرّ محذوف و جمله صله است (سمین، الدرالمصون فی علوم الكتاب المکنون، ۱۴۱۴: ۴/۴۹۹).

هر چند که با تغییر حرکت در میم کلمه من، تفاوت معنایی در کلمه به وجود می‌آید؛ ولی در نتیجه، معنا یکسان است. به نظر می‌رسد دقت در موسیقی و روانی آیه و لفظ نادى و تناسب آن با من ابتداء، قرائت مشهور را تأیید می‌کند.

مقصود از شخصی که در آیه، حضرت مریم را ندا می‌کند؛ اختلاف نظر وجود دارد. برخی او را جبرئیل و بعضی حضرت عیسی علیه السلام دانسته‌اند (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/ ۱۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ ش، ۶/ ۷۸۶).

۶. ﴿وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا﴾ (مریم/ ۲۵)؛ «ای مریم) شاخ درخت را به سوی خود حرکت ده تا از آن برای تو خرماى تازه فرو ریزد».

قرائت: عاصم: تُسَاقِطُ؛ نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، ابن عامر و کسایی: تَسَاقِطُ؛ حمزه: تَسَاقِطُ (الدانى، التيسير فى القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنية، ۱۴۰۸: ۳۹/۴).

تُسَاقِطُ در قرائت مشهور در باب مفاعله بوده و معنای پی در پی بودن را داراست (قرشى، قاموس قرآن، ۱۳۶۱: ۳/ ۲۷۸). دو قرائت دیگر در باب تفاعل بوده که فعل با تشدید سین به جهت ادغام تاء باب در فاء الفعل و قرائت بدون تشدید با حذف تاء باب است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/ ۱۳؛ ابن عاشور، التحرير والتنوير، بی تا: ۳/ ۱۴). هر چند که باب تفاعل مطاوعه باب مفاعله است ولی در آیه شریفه در باب تفاعل هم تعدیه آن اراده شده، هم چنانکه در باب تفعّل، تعدیه در نظر گرفته می‌شود (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۱: ۴۱۵).

کسی که با یاء قرائت کرده، فعل را به جذع نسبت داده و قرائت با تاء به النخلة اسناد داده است، البته جایز است که در این قرائت هم با حذف مضاف به جذع نسبت داده شود (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/ ۱۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۶/ ۷۸۶؛ ابوحیان، البحر المحيط فى التفسیر، ۱۴۲۰: ۷/ ۲۵۵).

به نظر می‌رسد تفاوت معنایی حاصله در قرائات سبع، آن است که قرائت مشهور در باب مفاعله، معنای پی در پی بودن دارد که از جهت معنایی با سیاق کلام، سازگارتر است.

۷. ﴿ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾ (مریم/ ۳۴)؛ «این است عیسی پسر مریم؛ گفتار حقی که در آن تردید می‌کنند!».

قرائت: عاصم و ابن عامر: قول الحق؛ نافع، ابن كثير، ابو عمرو، حمزه و كسابي: قول الحق (الداني، التيسير في القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ سالم مكرم، مجمع القرائات القرآنيه، ۱۴۰۸: ۴/۴۵).

تركيب غالب در قرائت مشهور قول الحق، مصدر مؤكّد برای مضمون جمله بيان شده است (زمخشری، الكشاف، ۱۴۰۷: ۳۱۴؛ عكبري، اعراب القرائات الشاذ، ۱۴۲۴: ۱۱/۲؛ ابوحيان، البحر المحيط التفسير، ۱۴۲۰: ۲۶۰/۷؛ ابن عاشور، التحرير والتنوير، بی تا: ۱۶/۳؛ الخطيب، معجم القرائات، بی تا: ۳۶۵/۵). تركيب های ديگري كه به آن ها اشاره شده؛ حال يا صفت از عيسى عليه السلام (ابن عاشور، التحرير والتنوير، بی تا: ۱۶/۳) و مفعول به برای فعل واجب الحذف (زمخشری، الكشاف، ۱۴۰۷: ۱۴/۳؛ عكبري، اعراب القرائات الشاذ، ۱۴۲۴: ۱۱/۲) است.

تركيب غالب در قرائت غير مشهور قول الحق، خبر برای مبتدای محذوف است (زمخشری، الكشاف، ۱۴۰۷: ۱۴/۳؛ عكبري، اعراب القرائات الشاذ، ۱۴۲۴: ۱۱/۲؛ ابوحيان، البحر المحيط التفسير، ۱۴۲۰: ۲۶۰/۷؛ الخطيب، معجم القرائات، بی تا: ۳۶۵/۵) تركيب های ديگر، خبر دوم، بدل يا صفت برای حضرت عيسى عليه السلام است (زمخشری، الكشاف، ۱۴۰۷: ۱۴/۳، ابن عاشور، التحرير والتنوير، بی تا: ۱۶/۳).

معنای کلمه در تركيب غالبی نصب، آن است که این خبرها از حضرت عيسى عليه السلام قطعاً ثابت و صادق است و به غير او نسبت داده نمی شود؛ یعنی بدون لمس بشری به دنیا آمده است (ابوحيان، البحر المحيط والتنوير، ۱۴۲۰: ۲۶۰/۷؛ ابن عاشور، التحرير والتنوير، بی تا: ۱۶/۳) یا به این معناست که حضرت عيسى عليه السلام همان قول حق است (ابن عاشور، التحرير والتنوير، بی تا: ۱۶/۳).

معنای کلمه در تركيب غالبی رفع، آن است که نسبت او به مادرش کلام حقی است (ابوحيان، البحر المحيط والتنوير، ۱۴۲۰: ۲۶۰/۷) ابوحيان اندلسی که تركيب نصب را فقط مصدر مؤكّد برای مضمون جمله آورده؛ بعد از بیان این معنا، می گوید: «در این صورت معنای حالت نصب و رفع یکسان خواهد بود.» (همان). معنای ديگر در این تركيب اینگونه بیان شده است که آن صفت که در مورد حضرت عيسى عليه السلام بیان کردیم، کلام حقی است (الخطيب، معجم القرائات، بی تا: ۳۶۵/۵).

به نظر می رسد قرائت مشهور با تركيب مصدر مؤكّد، با توجه به مقام جمله قبل که بیان خداوند متعال در خصوص حضرت عيسى عليه السلام است، سازگاری بیشتری دارد و کلام سدابق را تقرير می نماید.

۸. ﴿أَكَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (مریم/۳۵)؛ «هرگز برای خدا شایسته نبود که فرزندی اختیار کند! منزّه است او! هر گاه چیزی را فرمان دهد، می گوید: «موجود باش!» همان دم موجود می شود!»

قرائت: عاصم، نافع، ابن کثیر، ابوعمر، حمزه و کسایی؛ فیکون؛ ابن عامر؛ فیکون (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۴/۴۶).

غالب مفسران اختلاف قرائت در این کلمه را ذیل آیه ۱۱۷ سوره بقره آورده اند. ترکیب یکون بنا بر رفع، عطف بر یقول یا خبر برای مبتدای محذوف و مستأنفه است که بنا بر هر دو تقدیر، مقول قول است. ترکیب نصب بنا بر قرائت ابن عامر، جواب امر می باشد (طوسی، بی تا: ۱/۴۳۳؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۱/۳۶۷).

فراء قرائت نصب را مردود دانسته (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۱/۷۴) و ابن مجاهد آن را خطایی در زبان عربی قلمداد نموده است (الخطیب، معجم القرائات، بی تا: ۵/۳۶۷).

دو دلیل در عدم پذیرش و ضعف قرائت غیر مشهور بیان شده است: اول اینکه فعل (کُنْ) در لفظ امر، ولی مراد از آن خبر است. زیرا به چیزی که موجود نیست، امر نمی شود و آن چیز مورد خطاب قرار نمی گیرد. پس تقدیر آیه، (تکون فیکون) است. دلیل دیگر امتناع نصب این است که جواب امر باید با امر در فعل یا فاعل یا هر دو مخالف باشد. چون یک شیء نمی تواند شرط برای خودش باشد و در صورت عدم این تفاوت، فایده ای بر آن مترتب نخواهد بود. مانند قم فاعطیک که معنا می شود: إِنْ تَقُمْ فَأَعْطِيكَ (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/۳۱۶، عکبری، املاء ما من به الرحمن من وجوه الاعراب، ۱۴۲۳: ۶۰) و در قرائت رفع، هیچ یک از این نقاط ضعف وجود ندارد.

۹. ﴿وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَدًا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (مریم/۳۶)؛ «و خداوند پروردگار من و شما است او را پرستش کنید این است راه راست».

عاصم، ابن عامر، حمزه و کسایی؛ إِنْ؛ نافع، ابن کثیر و ابوعمر؛ أَنْ (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۷: ۴/۳۶؛ لسانی فشارکی، قراء السبعه و قرائات، ۱۳۹۱: ۳۵۴).

قرائت با کسر همزه بنا بر استیناف است؛ همانطور که ماقبل آن (فیکون) جمله استینافیه می باشد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۶/۷۴۹؛ ابوحیان، البحر المحیط، ۱۴۲۰: ۷/۲۶۱).

قرائت با فتح همزه، به تقدیر حرف جر لام است که بیان علت مابعد است؛ یعنی به خاطر اینکه الله پروردگار من و شماست پس او را بپرستید (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱۷/۳؛ ابن عاشور، التحریر والتنویر، بی تا: ۳۸/۱۶).

سمین بعد از آنکه پنج ترکیب برای فتح همزه بیان می کند؛ غالب آنها را ضعیف دانسته و تنها ترکیب حذف حرف جر علت را تأیید می کند (سمین، الدرر المصون فی علوم الكتاب المکنون، ۱۴۱۴: ۵۰۷/۴).

قرائت مشهور با سیاق کلام و استیناف جمله قبل، مطابقت داشته و نیاز به تقدیر گرفتن حرف جر هم نیست.

۱۰. ﴿وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا﴾ (مريم/ ۵۱)؛ «و در کتاب (قرآن) موسی را یاد کن، که او خالص شده بود و (نیز) فرستاده‌ای والا [مقام] بود».

قرائت: عاصم، حمزه و کسایی: مخلصاً؛ نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر: مخلصاً (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۴۹/۴؛ لسانی فشارکی، قراء السبعه: ۱۳۹۱: ۳۵۴).

مخلص (اسم مفعول) در قرائت مشهور به معنای آن است که خداوند او را برای عبادت پیامبری خالص نمود و مخلص (اسم فاعل) به معنای آن است که حضرت موسی علیه السلام عبادت خود را از شرک و ریا خالص کرد و تسلیم محض پروردگارش گردید (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۲۲/۳؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۷۹۹/۶؛ ابوحیان، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۲۷۴/۷؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۷۹۹/۶) فخر رازی بعد از آنکه معنای دو قرائت را تبیین می کند، این چنین می گوید: «هر یک از این دو قرائت، برای حضرت موسی علیه السلام ثابت و قطعی است و خداوند هر دو ویژگی را برای ایشان قرار داده است» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۴۷/۲۱).

۶۷

شایسته بیان است که قرائت مشهور، پیامد و نتیجه وصف و قرائت دوم است و معنا و مفهوم آن را هم دربر دارد.

۱۱. ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظَلْمُونَ شَيْئًا﴾ (مريم/ ۶۰)؛ «مگر آنان که توبه کنند، و ایمان بیاورند، و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می شوند، و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد».

قرائت: عاصم، ابن عامر، حمزه و کسایی: یدخلون؛ ابن کثیر و ابوعمر: یدخلون (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۷: ۴/۵۰). در قرائت مشهور فعل به صورت معلوم بوده و قرائت ابن کثیر و ابوعمر و فعل مجهول است (ابوحیان، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۷/۲۸۰؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۸/۴۳۷؛ بیضاوی، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، ۱۴۱۸: ۴/۱۴) طوسی می‌گوید: «معنای آیه در قرائت مشهور این است که کسانی که توبه کنند و عمل صالح انجام دهند؛ به امر خداوند داخل بهشت می‌شوند و در قرائت ضمه مقصود این است که خداوند ایشان را داخل بهشت می‌کند یعنی امر به دخول در بهشت می‌کند» (طوسی، التبیان، بی تا: ۷/۱۳۷).

ابن عاشور درباره قرائت مشهور می‌گوید: «اینکه فعل یدخلون در کنار اسم اشاره آمده، توجه دادن به این مطلب است که آنها در توبه‌شان از کفر، ترغیب و برانگیخته شوند و فعل مضارع و معلوم آمده، بدین معنا که آنها در دریافت جزاء معطل نمی‌شوند» (ابن عاشور، التحریر و التئویر، بی تا: ۱۶/۶۰). علاوه بر اینکه استعمال فعل معلوم در کلام، کثرت و تداول بیشتری دارد.

۱۲. ﴿أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا﴾ (مریم/۶۷): «آیا انسان نمی‌داند که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟».

قرائت: عاصم، نافع و ابن عامر: یذکر؛ ابن کثیر، ابوعمر و حمزه و کسایی: یذکر (سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۴/۵۳). یذکر ثلاثی مجرد و یذکر از باب تفعّل است که قاعده ابدال در آن جاری و تاء در ذال ادغام شده است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/۳۳؛ آلوسی، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۸/۴۳۴؛ سیوطی، البهجه المرضیه، ۱۴۱۶: ۲/۳۱۱).

یذکر با تخفیف به معنای این است که آیا انسان حال خود را نمی‌داند؛ زیرا هر کسی می‌داند که پس از آنکه در دنیا زنده نبوده، زنده گردیده است. یذکر با تشدید به معنای آن است که آیا انسان تفکر نمی‌کند که خلقت او از هیچ بوده، پس خداوندی که او را آفریده، دوباره خلقتش می‌نماید (طوسی، بی تا: ۷/۱۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۸۰۶). فخر رازی بعد از تبیین معنای دو قرائت، معنای حاصل از قرائت مشهور را به مراد آیه نزدیکتر می‌داند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۱/۵۵۶).

۱۳. ﴿أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا﴾ (مریم/ ۷۷)؛ «آیا دیدی کسی را که به آیات ما کافر شد، و گفت: "اموال و فرزندان فراوانی به من داده خواهد شد"؟»

قرائت: عاصم، نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر؛ وُلِدًا؛ حمزه و کسایی: وُلِدًا (الدانی، التیسیر القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۵۸/۴).

وُلِدَ در قرائت مشهور، مفرد است و در قرائت غیر مشهور، برخی از مفسران وُلِدَ را جمع مکسر وُلِدَ مانند: أُسِدَ و أُسَدٌ یا لغتی در ولد مانند، عُرِبَ و عَرَبٌ دانسته‌اند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۵۶۲/۲۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۹/۳؛ ابن عاشور، التحریر والتسویر، بی‌تا: ۱۷۷/۱۶). طبرسی علاوه بر دو معنای بالا بیان می‌کند که ممکن است این کلمه مانند فلک باشد که گاهی مفرد و گاهی جمع به کار می‌رود.

آلوسی پس از بیان حالات مختلف این کلمه می‌گوید: «حق این است که در کلام عرب، این کلمه به صورت مفرد و جمع استعمال شده و هر دو در اینجا صحیح است» (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۴۴۶/۸).

به نظر می‌رسد با توجه به سیاق کلام، تنوین دو کلمه ولد و مال در آیه، دلالت بر کثرت می‌کند و تفاوت معنایی کلمه در دو قرائت، در نهایت مفهوم یکسانی از آیه به دست می‌دهد و با توجه به مفرد بودن کلمه مال، تناسب لفظی و معنایی در قرائت مشهور برقرار است.

۱۴. ﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطِرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾ (مریم/ ۹۰)؛ «نزدیک است به خاطر این سخن آسمان‌ها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوه‌ها به شدت فرو ریزد».

قرائت: عاصم، نافع، ابن کثیر و کسایی: يَنْفَطِرْنَ؛ ابوعمر و ابن عامر و حمزه: يَنْفَطِرْنَ (الدانی، التیسیر فی القرائات، ۱۳۶۲: ۹۰؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۷: ۶۱/۴).

يَنْفَطِرْنَ مضارع تَفَطَّرَ از باب تَفَعَّلَ و يَنْفَطِرْنَ مضارع انفطّر از باب انفعال است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۴۴/۳؛ سمین، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ۱۴۱۴: ۵۲۸/۴)

تَفَطَّرَ و انفطّر هر دو به معنای شکافتن طولی هستند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۴/۵۵؛ قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۶۱: ۱۹۲/۵).

طبرسی و بیضاوی در تبیین معنای دو قرائت چنین آورده‌اند: «انفطار مطاوعه فطر و تَفَطَّرَ مطاوعه تَفَطِيرَ است. در این آیه، تَفَطَّرَ شایسته‌تر است؛ به جهت مبالغه‌ای که در معنای آن نهفته است» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۸۱۸/۶؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۲۰/۴).

ب) قرائات بدون تأثیر در معنای آیات سوره مریم

۱. در حروف مقطعه آیه اول سوره مریم، اقوال مختلفی در کتب تفسیری و قرائت بیان شده که حکایت از اختلاف تجویدی در قرائت این آیه شریفه دارد (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۶/۷۷۳؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۵/۴).
عکبری به یکی از اختلاف قرائات و دلیل آن اشاره نموده و می‌گوید: «(عص) به جهت قرابت مخارج نون و صاد با اخفاء نون قرائت شده است. این کلمه به اظهار نیز قرائت گردیده و دلیل اظهار آن است که مشخص گردد این حروف، مقطعه هستند. به همین جهت بر هر حرفی از آن‌ها توقف کوتاهی صورت می‌گیرد و اظهار نون، این موقعیت را اعلام می‌کند» (عکبری، اعراب قرائات الشاذ، ۱۴۲۴: ۳۵۹).

۲. کلمه زکریّا (آیه ۲ و ۷) در قرائت عاصم، حمزه و کسایی بدون همزه و در قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر با همزه قرائت شده است (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۴/۲۸ و ۳۲).

۳. عاصم، حمزه و کسایی حرف اول سه کلمه عِتِّیّا (آیه ۸)، جِئِیّا (آیه ۶۸) و صِلِیّا (آیه ۷۰) را با کسره و بقیه قاریان با ضمه قرائت کرده‌اند (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۹۸: ۳۳، ۵۰ و ۵۴).

حمزه و کسایی حرف اول بُکِیّا (آیه ۵۸) را با ضمه و عاصم و بقیه قاریان با کسره قرائت کرده‌اند (الدانی، ۱۳۶۲ التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۹؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۴/۵۴).

عِتِّیّا و صِلِیّا مصدر ثلاثی مجرد بر وزن فُعُول و جِئِیّا و بُکِیّا جمع مکسر جاتٍ و باکٍ بر وزن فُعُول هستند که بر اساس قواعد اعلال، تغییراتی در ظاهر آن‌ها پدید آمده است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳/۲۵).

ابن عاشور در تبیین اختلاف قرائات در این کلمات می‌گوید: «علت کسره فاء الفعل در وزن فُعُول، به جهت تبعیت از حرکت کسره در لام الفعل این کلمات بعد از تغییرات اعلالی است» (ابن عاشور، التحریر والتنویر، بی‌تا: ۱۵/۱۶).

به نظر می‌رسد علت حرکت ضمه فاء الفعل قرائت مشهور در کلمه بُکِیّا نیز، هماهنگی این کلمه با ماقبلش سَجْدًا است و تغییر حرکت در این کلمات، تفاوتی در معنا ایجاد نمی‌کند.

۴. در آیات سوره مریم، شش یاء متکلم وجود دارد که در قرائت غالب قاریان با سکون و در قرائت برخی دیگر با فتحه قرائت گردیده است.

ابن کثیر کلمه ورائی (آیه ۵) و نافع و ابوعمر و کلمه ربی (آیه ۴۷) را با فتحه خوانده‌اند (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۵۰؛ لسانی فشارکی، قراء سبعه و قرائات سبع، ۱۳۹۱ش، ۳۵۰/۴ و ۳۵۴) اختلاف قرائت مذکور در کلمه ورائی با توجه به انواع حرکتی است که به هنگام اضافه شدن اسم به یاء متکلم در اسم‌ها ظاهر می‌شود و در معنای آن تاثیرگذار نیست (سیوطی، البهجه المرضیه، ۱۴۱۶: ۲۸۱).

ابن کثیر حرف یاء را در لی (آیه ۱۰)، ابن کثیر و نافع در اِنّی اَعُوذُ (آیه ۱۸) و اِنّی اُخَافُ (آیه ۴۵) با فتحه و حمزه در اَتَانِی الْکِتَابِ (آیه ۳۰) با سکون قرائت کرده‌اند. (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۵۰؛ لسانی فشارکی، قراء سبعه و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۳۵۱ و ۳۵۳).

۵. عاصم، نافع، حمزه و کسائی کلمه مِثُّ (آیه ۲۳) را با کسره و ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر با ضمه قرائت کرده‌اند. در همان آیه، عاصم، حمزه و کسائی حرف اول کلمه نَسِیَا را با فتحه و نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر با کسره خوانده‌اند (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ لسانی فشارکی، قراء سبعه و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۳۵۲).

این تغییر اعرابی که تفاوتی در معنا ایجاد نمی‌کند، این‌گونه تحلیل شده است: مِثُّ از مات یمات و مِثُّ از مات یموت است. نَسِیَا و نَسِیَا نِزْ دَوْلَتِ در این کلمه هستند مانند: وَتَرَوُتِرَ وَتَرَوُتِرَ وَجَسِرَ وَجَسِرَ (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱۱/۳-۱۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۹۱/۲ و ۱۵/۳۲۲).

۶. عاصم، نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر و حمزه، نُتَجِّی (آیه ۷) و کسائی: نُتَجِّی قرائت کرده‌اند (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ سالم مکرّم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۴/۵۵).

قرائت مشهور از باب تفعیل و قرائت غیر مشهور از باب افعال است. این دو کلمه در معنای یکسان هستند و اختلاف در باب، تغییر در معنا ایجاد نکرده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۵/۳۰۹-۳۰۸).

۷۱

۷. عاصم و ابن عامر رِءِیَا (آیه ۷۴) و نافع، ابن کثیر، ابوعمر و حمزه و کسائی رِیَا قرائت کرده‌اند (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ سالم مکرّم، معجم القرائات القرآنیه، ۱۴۰۷: ۴/۵۶).

رِءِیَا با همزه در قرائت مشهور از فعل رِءِیة است و رِیَا با تشدید در قرائت غیر مشهور از رِیَّ به معنای منظر زیبا و چهره درخشانده است (زبیدی، تاج العروس من الجواهر القاموس، ۱۴۱۴: ۱۹/۴۸۴).

غالب کتب تفسیری، دو ریشه برای قرائت غیر مشهور بیان کرده‌اند؛ رأی و ری که در رأی همزه منقلب به یاء شده و در آن ادغام گردیده است. در معنای ریشه دیگر آن بین مفسران، اختلاف وجود دارد؛ برخی آن را ضد عطش دانسته و بیان کرده‌اند که شادابی و حسن و زیبایی در فرد سیراب از آب موج می‌زند (عکبری، اعراب القرائات الشاذ، ۱۴۲۳: ۳۶۴؛ ابوحنیان، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۷/۲۹۱؛ سمین، الدرر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ۱۴۱۴: ۴/۵۲۰) برخی از مفسران هم معتقدند رأی به معنای نعمت است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۷/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۱/۵۶۷).

طبرسی بعد از آنکه دو وجه رأی را بیان نموده و معنای آن از ریشه رأی را ضد عطش و منظر زیبا بیان کرده، می‌گوید: «معنا در هر دو ریشه یکسان است و تغییر معنایی حاصل نشده است» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۶/۸۱۰).

۸. عاصم، نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر و حمزه، کلمه تکاد (آیه ۹۰) را با تاء و کسایی، یکاد قرائت کرده‌اند (الدانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۵۰؛ سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیة، ۱۴۰۷: ۴/۶۱).

در قواعد نحوی هرگاه فاعل اسم ظاهر و مؤنث مجازی باشد، تذکیر و تأنیث فعل جایز است. بنابراین این اختلاف، موجب تغییر معنایی نمی‌گردد (سمین، الدرر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ۱۴۱۴: ۴/۹۰؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱/۱۵۵؛ الخطیب، معجم القرائات، بی تا: ۱۹/۵).

نتیجه

۱. علم قرائت یکی از علوم قرآنی بوده و در فهم، ترجمه و تفسیر کلام الهی تأثیر مستقیم دارد؛
۲. از مجموع ۳۶ مورد اختلاف قرائات سبع در سوره مریم، ۱۹ مورد بدون تغییر معنایی و ۱۵ مورد همراه با تغییر معنایی بوده است؛
۳. تفاوت معنایی حاصل به جهت اختلاف قرائات در معنای کلمات است که غالباً در نهایت، مفهوم یکسانی از آیه به دست می‌دهد و گاهی در حد تغییرات بسیار جزئی مانند: مبالغه، تأکید، کثرت و... است که در اصل معنای آیه، تغییری ایجاد نمی‌کند؛
۴. بررسی سیاق آیات، قواعد صرفی و نحوی، سازگاری با معنای آیات، انسجام در الفاظ آیات و موسیقایی آن می‌تواند محقق را به قرائت درست که همان قرائت مشهور است؛ رهنمون سازد؛
۵. اختلاف قرائت قاریان در سوره مریم با قرائت مشهور به ترتیب ابوعمر و با ۱۹ مورد بیشترین و کسایی با ۱۱ مورد، کمترین اختلاف بوده است.

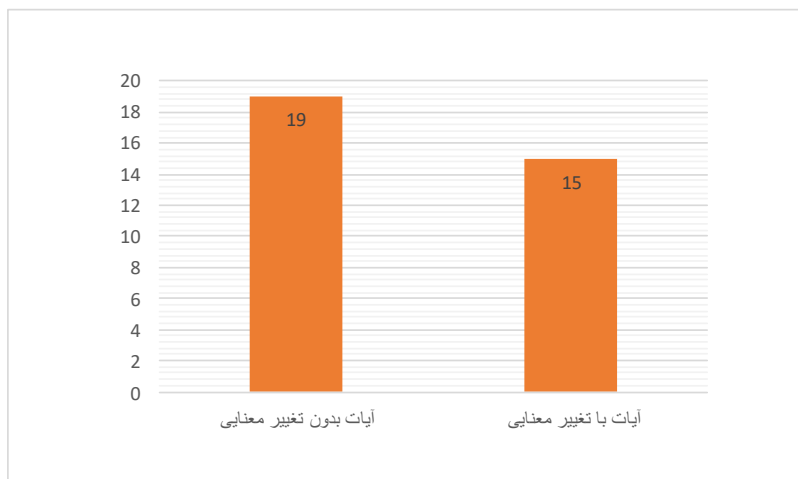
جدول قرائات مؤثر در معنای آیات سوره مریم

آیه	مصحف (قرائت عاصم)	سایر قرائات	قاریان مغایر با عاصم
۶	يَرْتُنِي وَيَرْتُ	يَرْتُنِي وَيَرْتُ	ابو عمرو و کسایی
۷	نَبَشْرِكُ	نَبَشْرُكُ	حمزه
۹	خَلَقْتُكَ	خَلَقْنَاكَ	حمزه و کسایی
۱۹	لَأَهَبَ	لِيَهَبَ	نافع و ابو عمرو
۲۴	مِنْ تَحْتِهَا	مَنْ تَحْتِهَا	ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر
۲۵	تُسَاقَطُ	تَسَاقَطُ تَسَاقَطُ	ابن عامر و کسایی
۳۴	قَوْلَ الْحَقِّ	قَوْلُ الْحَقِّ	نافع، ابن کثیر، ابن عامر، حمزه و کسایی
۳۵	فِيَكُونُ	فِيَكُونَ	ابن عامر
۳۶	إِنَّ	أَنَّ	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو
۵۱	مُخْلِصًا	مُخْلِصًا	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر
۶۰	يَدْخُلُونَ	يُدْخِلُونَ	ابن کثیر و ابو عمرو
۶۷	يَذْكُرُ	يَذْكُرُ	ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه و کسایی
۷۷	وَلَدًا	وَلَدًا	حمزه و کسایی
۹۰	بِتَقَطْرٍ	بِتَقَطْرٍ	ابو عمرو و ابن عامر و حمزه
۹۶	لِتَبَشِّرَ	لِتَبَشِّرَ	حمزه

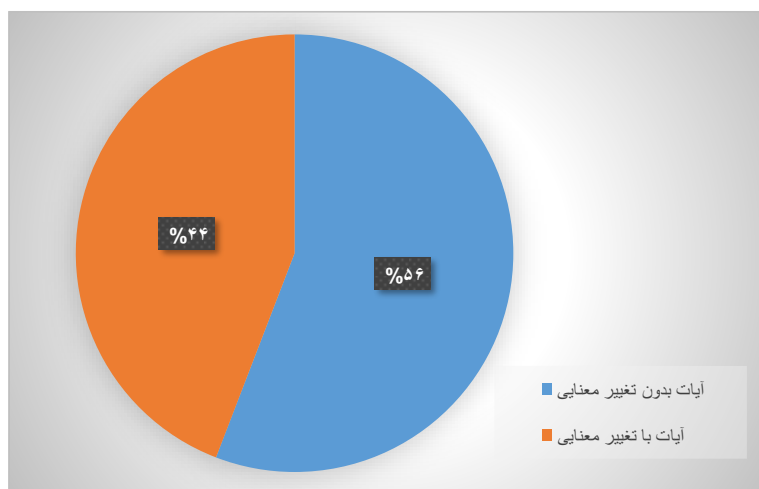
جدول قرائات بدون تأثیر در معنای آیات سوره مریم

آیه	مصحف (قرائت عاصم)	سایر قرائات	قاریان مغایر با عاصم
۱	کهیحص	با اختلاف تجویدی	
۲	زکریا اذ	زکریاء اذ	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر
۵	ورائی	ورائی	ابن کثیر
۷	زکریا انا	زکریاء انا	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر
۸	عیتاً	عیتاً	کسائی
۱۰	لی	لی	نافع و ابو عمرو
۱۸	انی	انی	نافع، ابن کثیر و ابو عمرو
۲۳	مئ	مئ	ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر
۲۳	نسباً	نسباً	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر
۳۰	اتانی الکتاب	اتانی الکتاب	حمزه
۴۱	ایراهم	ایراهم	ابن عامر
۴۵	انی	انی	ابن کثیر و نافع
۴۷	ری	ری	نافع و ابو عمرو
۵۸	بکیاً	بکیاً	حمزه و کسائی
۶۸	جیتاً	جیتاً	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر
۷۰	صلیاتاً	صلیاتاً	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو و ابن عامر
۷۲	تئجی	تئجی	کسائی
۷۴	رءباً	رءباً	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه و کسائی
۹۰	نکاد	یکاد	کسائی

نمودار اختلاف قرائات مؤثر و بدون تأثیر در معنای آیات سوره مریم



اختلاف قرائات سبع در تفسیر سوره مریم



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی قرائات العشر، لبنان: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.
۳. ابن عاشور، محمد، التحرير و التنوير، تونس: دارالتونسیه للنشر، بی تا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابوحيان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۶. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۸. الخطیب، عبداللطیف، معجم القرائات، دار سعد الدین للطباعة و النشر، چاپ اول، بی تا.
۹. خوبی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالزهراء، چاپ اول، ۱۳۹۵ ق.
۱۰. الدانی، ابوعمرو عثمان بن سعید، التیسیر فی القرائات السبع، بی جا: کتابفروشی جعفری تبریزی، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. دمیاطی، شهاب الدین، إتحاف البشر فی قرائات الاربعة عشر، لبنان: دارالنشر، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.

١٣. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت: دارالقلم، چاپ اول، ١٤٢١ق.
١٤. زبيدي، مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٤١٤ق.
١٥. زمخشرى، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دارالكتاب العربى، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
١٦. سالم مكرم، عبدالعال و مختار عمر، احمد، معجم القرائات القرآنية مع مقدمة فى القرائات و أشهر القراء، كويت: مطبوعات جامعة كويت، چاپ دوم، ١٤٠٨ق.
١٧. سمين، احمد بن يوسف، الدرّ المصون فى علوم الكتاب المكنون، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق.
١٨. سيوطى، جلال الدين، البهجة المرضية، تهران: نشر اسماعيليان، چاپ هشتم، ١٤١٦ق.
١٩. طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم، ١٤١٧ق.
٢٠. طبرسى، فضل بن حسن، تفسير جوامع الجامع، قم: مركز مديريت حوزه علميه قم، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٢١. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ١٣٧٢ش.
٢٢. طوسى، ابى جعفر محمد الحسن، التبيان فى تفسير القرآن، نشر علمية نجف، ١٣٧٦ق.
٢٣. عكبرى، عبدالله بن حسين، اعراب القرائات الشاذة، قاهره: المكتبة الازهرية للتراث، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
٢٤. عكبرى، عبدالله بن حسين، املاء ما من به الرحمن من وجوه الاعراب و القرائات فى جميع القرآن، بيروت: المكتبة العصرية، ١٤٢٣ق.
٢٥. فزاء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ دوم، ١٩٨٠م.

۲۶. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۱ش.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب العلمیه، ۱۳۶۲ش.
۲۸. لسانی فشارکی، محمدعلی، قراء سبعة و قرائات سبع، تهران: انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۲۹. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: منشورات دارالقریبی، ۱۳۸۶ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.